

فلسفه ابتلائات دوران غیبت

و کیفیت تأثیر آنها بر توانمندسازی یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

سید حسین علیاناسب^۱، سیدضیاءالدین علیاناسب^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۲۳

چکیده

حضرت امام عصر ع به پیروان قدرتمندی نیاز دارد تا به پشتیبانی آنها جامعه انسانی را به جایگاه متعالی که خداوند مقرر کرده برساند، اما ابتلائات سخت دوران غیبت، موجب ناامیدی و ریزش تعداد زیادی از منتظران امام خواهد شد؟ بنابراین سوال پیش می‌آید که چرا خداوند منتظران آن حضرت را به گونه‌ای امتحان می‌کند که بسیاری از آنان از دین و اهل بیت روگردان شوند که در ظاهر موجب کاهش و تضعیف سپاه امام می‌گردد؟ برای پاسخ بدین سوال، پژوهش حاضر با مراجعه به منابع دینی و بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی این فرضیه را مورد بررسی قرار داد که ابتلائات عصر غیبت متأثر از تجارب تاریخی حجت‌های پیشین و متناسب با شرایط و اهداف متعالی دوران ظهور، سپاه امام را پالایش و تقویت می‌کنند و در نهایت نتیجه گرفت که این ابتلائات شرایطی را ایجاد خواهند کرد که مدعیان ضعیف قبل از ظهور امام صف خود را جدا کنند و یاران واقعی آن حضرت از لحاظ فکری، سیاسی، نظامی، اعتقادی، اخلاقی و بصیرتی چنان تقویت شوند که برای همه سختی‌های دوران ظهور آمادگی داشته باشند. **واژگان کلیدی:** امام مهدی ع، دوران غیبت، ابتلائات، یاوران توانمند.

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) (olyanasab@tabrizu.ac.ir).

۲. دانشیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه ع، قم، ایران. (z.olyanasab@hmu.ac.ir).

مقدمه

آزمایش و امتحان یکی از سنت‌های الهی است که در تعبیر دینی با عبارات متعددی از قبیل فتنه (بقره: ۱۰۴ و طه: ۴۰)، امتحان (حجرات: ۳)، ابتلاء (بقره: ۲۴) و تمحیص (آل عمران: ۱۴۱ و ۱۵۴) مورد توجه قرار گرفته است، همه این واژه‌ها از نظر معنی شبیه هم هستند؛ چنان‌که صاحب مصباح‌المنیر با توصیف ذیل همه اصطلاحات مذکور را مرتبط می‌داند: (الْفِتْنَةُ) الْمِحْنَةُ وَ الْإِبْتِلَاءُ وَ الْجَمْعُ (فِتْنٌ) وَ أَصْلُ (الْفِتْنَةِ) مِنْ قَوْلِكَ (فَتَنْتُ) الدَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ إِذَا أَحْرَقْتَهُ بِالنَّارِ لِیَبینَ الْجَيِّدُ مِنَ الرَّدِیِّ؛ فتنه آزمایش و امتحان است، وقتی می‌گویی طلا و نقره را فتنه کردم، یعنی با گذاختن آنها در آتش، طلای خوب را از طلای بد مشخص کردم و اختبرته بمعنی امتحنته؛ اختبار کردم او را، یعنی او را امتحان کردم (فیومی، بی‌تا: ج ۲، ۴۶۲)، علاوه بر این که اصطلاح «ابتلاء» بر آزمون همراه با رنج و سختی دلالت می‌کند و در باب افتعال مبالغه در بلا را متبادر می‌کند (طبرسی، ۱۴۲۷: ج ۱ و ۲، ۳۷۷) اما ابتلائات دوران غیبت ویژگی منحصر به فردی دارند و روایات مربوطه که از سختی دینداری در آخرالزمان؛ نزول بلایا، قحطی و کمیابی، شیوع مرگ و میر، اختلافات عمیق میان شیعیان و... خبر می‌دهند به این واقعیت رهنمون می‌شوند که ابتلائات دوران غیبت چنان سخت و طاقت‌فرسا هستند که تاکنون نظیر نداشته‌اند و مطابق فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام به سبب طول دوران غیبت و سختی‌های آن، عده زیادی از منتظران امام از اعتقاد به آن حضرت باز خواهند گشت (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲، ۳۸۶). شدت ابتلائات با چنین پیامدهای ناگوار که در ظاهر موجب تضعیف سپاه امام می‌شود این سوال را پیش می‌آورد که چرا خداوند منتظران امام را مورد سخت‌ترین آزمون‌ها قرار می‌دهد و این ابتلائات شدید چه تأثیر مثبتی در نهضت امام خواهد داشت؟

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نتایج برخی تحقیقات پیشین که معتقدند زمینه‌های فردی هم چون خصایص زیستی، ذهنی، عاطفی، روانی، خانوادگی و زمینه‌های اجتماعی و اقتضائات خاص جامعه اعم از شرایط فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و جغرافیایی به طور مستقیم بر پیدایش و نوع ابتلا سایه می‌افکند و بر شدت و پیامدهای آن نیز تأثیر می‌گذارد (راد و عطایی، ۱۳۹۵: ۹۸) و با این پیش فرض که چون حجت‌های پیشین الهی به سبب ضعف پیروانشان در نیل به اهداف متعالی توفیق کامل نیافتند و با توجه به این‌که حضرت مهدی علیه السلام، آخرین وعده الهی برای تحقق عدالت و حکومت صالحان بر روی زمین است و نباید شکست و خللی در نهضت جهانی وی ایجاد شود این فرضیه را تقویت می‌کند که خداوند

منتظران آن حضرت را در معرض آزمایش‌های سخت قرار می‌دهد تا قبل از ظهور امام کسانی که اندک ضعفی در ایمان دارند در غربال ابتلائات از صف منتظران جدا شوند و فقط کسانی باقی بمانند که ایمان قوی داشته و از همه مراحل ابتلائات عبور کنند، از سوی دیگر ابتلائات دوران غیبت فرصتی برای یاوران برگزیده آن حضرت فراهم می‌آورند که انواع سختی‌ها و ناملایمات را تجربه کنند تا پس از تحقق ظهور که سختی‌ها، دشمنی‌ها و موانع زیادی برای نهضت جهانی امام ایجاد خواهد شد آن حضرت از طرف یارانش دچار هیچ مشکلی نگردند و به تعبیر مقام معظم رهبری مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ نشوند (مقام معظم رهبری، ۲۵ آذر ۱۳۷۶). بر همین اساس در ذیل رابطه ابتلائات دوران غیبت با تجارب رهبران پیشین و نقاط ضعف امت‌های گذشته و تأثیر آنها بر توانمندسازی یاوران امام در چارچوب نیازمندی‌های دوران ظهور مورد بررسی قرار می‌گیرند.

تأثیرپذیری ابتلائات از نقاط ضعف امت‌های گذشته

تاریخ گواه است که اگر مردم به میزانی از بلوغ در افکار، عقاید، اخلاق و اراده‌های شان نرسیده باشند تلاش رهبران الهی برای ایجاد جامعه آرمانی ثمری ندارد. متون اسلامی مملو است از عبارات متعددی که نشان می‌دهد رهبران الهی و انسان‌های کامل در میان پیروان ضعیف خود منزوی و از آنان ناامید شده و به خاطر سستی آنان حتی دعا کرده‌اند تا خداوند بین آنها و امت‌شان جدایی بیفکند. نمونه‌های ذیل بخشی از این تجارب تلخ می‌باشد که در گونه‌شناسی ابتلائات دوران غیبت نشان می‌دهد این ابتلائات بر موضوعاتی تعلق گرفته‌اند که زمینه لغزش امت‌های پیشین بوده است.

۱. ابتلائات اعتقادی

یکی از ابتلائات دوران غیبت که با تجربه گمراه شدن امت‌های پیشین مرتبط است فراهم شدن زمینه و امکان انحراف در باورها و رفتارهای دینی است که اغلب با پیدایش مدعیان هدایت‌گری انجام می‌شود و نمونه بارز آن فتنه سامری بود که موحدان را به پرستش گوساله سوق داد. (طه: ۸۸) این آسیب در دوران حیات و رحلت پیامبر ﷺ نیز واقع شده و تعدادی از مسلمانان را به دام انداخت (جزری، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۴۳)، این آزمایش که پیوسته در میان موحدان انشقاق ایجاد کرده و آنها را از رهبران‌شان جدا کرده است در دوران غیبت و در آستانه ظهور موعود به اوج می‌رسد. پیامبر ﷺ از ظاهر شدن شصت دروغگو خبر داده‌اند که هر کدام

خود را پیامبر ﷺ معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۵۵). ابتلائات اعتقادی عصر غیبت زمانی از اهمیت برخوردار می‌شود که توجه کنیم در عصر ظهور نیز پرچم‌هایی برافراشته شده و حق و باطل را مشتبه کنند؛ امام صادق علیه السلام از دوازده پرچم شبیه هم یاد فرمودند که حق و باطل بودنشان تشخیص داده نمی‌شود و افراد بسیاری را گمراه می‌کنند، اما این حال فرمودند امر ما از نور خورشید روشن‌تر خواهد بود (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۸). این روایت دلالت می‌کند امتحانات اعتقادی و بدل‌سازی برای ادیان و رهبران الهی که تاکنون برای منزوی کردن آنها موثر بوده برای پیروان امام عصر علیه السلام یک فتنه از پیش آمده و بی‌اثر خواهد بود و روشن بودن امر اهل بیت علیهم السلام که امام صادق علیه السلام بدان اشاره فرموده‌اند اختصاص به دوران ظهور ندارد، بلکه همیشه روشن بوده است ولی یاران امام به دلیل تجاری که در پرتو ابتلائات دوران غیبت به دست می‌آورند این روشنی را درک می‌کنند.

۲. ابتلائات اخلاقی

شیوع مفاسد اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی، جامعه را در معرض سقوط و نابودی قرار می‌دهد، علاوه بر این در طول تاریخ امت‌هایی که ضعف اخلاقی داشتند نتوانستند با ولی خدا همراهی کنند؛ قوم حضرت لوط علیه السلام علیرغم این‌که پیامبر خود را انسان پاکی می‌دانستند ولی چون او را مانع خواسته‌های شهوانی خود می‌دیدند تصمیم گرفتند وی را از سرزمین خود اخراج کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۶، ۲۴۵). لشکریان حضرت موسی علیه السلام نیز وقتی با حيله بلعم باعورا مواجه شدند که دستور داد زنان خودآرایی کرده و به بهانه خرید و فروش کالا به میان بنی اسرائیل رفته و آنها را به فساد و زنا سوق دهند، تسلیم انحراف و فساد اخلاقی شدند و ضمن این‌که اراده‌های آنان سست شد و پیامبرشان را با جسارت بیشتر نافرمانی کردند بیماری‌های مقاربتی و طاعون در میان‌شان شایع گردید تا آن‌جا که بنا بر نقلی ۲۰/۰۰۰ نفر و به نقل دیگر ۹۰/۰۰۰ نفر از سپاه موسی علیه السلام هلاک شدند (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۱۳، ۳۷۳-۳۷۵). هم‌چنین به استناد آیه شریفه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا﴾ (آل عمران: ۱۵۵) یکی از دلایل شکست مسلمین در جنگ احد این است که شیطان گناهان گذشته مجاهدان را به یادشان آورده بود و آنان دوست نداشتند خداوند را جز در حال رضایت او و پس از توبه‌ای خالصانه ملاقات کنند و به همین سبب از جنگ گریختند (طبرسی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۳۳۲) و در واقع پیشینه و گذشته گناه‌آلود برخی از مجاهدان بود که فرار از جنگ را برایشان موجه جلوه داد تا فرصت زندگی و توبه داشته باشند.

بر همین اساس انحراف اخلاقی یکی از بزرگ‌ترین خطرات پیش روی هر نهضت متعالی است و امت منتظر از این جهت نیز مورد آزمایش قرار می‌گیرند؛ روایات دلالت می‌کنند که به دلیل کاهش یا از بین رفتن غیرت دینی در دوران غیبت، جامعه حساسیت کافی برای مقابله با منکرات را از دست می‌دهد و چه بسا ممکن است از لحاظ اجتماعی حتی جایگاه معروف و منکر عوض شود، همین امر موجب می‌شود بازدارنده‌های اجتماعی ارتکاب گناه از میان بروند و کسانی که اندک تمایلی به ارتکاب گناه دارند بتوانند به آسانی و بدون تحمل هر نوع هزینه اجتماعی به خواسته‌های قبیح خود برسند. کلینی روایت مفصلی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت نسبت به گسترش ستم، مندرس شدن قرآن، ظاهر شدن فسق و فجور، شیوع مفاسد جنسی و کاهش قبح آن، شراب‌خواری علنی، خوار شدن آمرین به معروف و تمجید اهل گناه، عادی شدن ربا، شیوع رشوه و حرام‌خواری، سبک شمرده شدن نماز، بلند بودن صدای منافقان و سکوت و خاموشی اهل حق و... هشدار داده است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۳۶). تضعیف پایگاه اجتماعی ارزش‌های دینی در دوران غیبت موجب می‌شود نه تنها گناهکاران سرزنش اجتماعی نشوند برعکس، اهل ایمان که دارای تقیدات مذهبی هستند به خاطر دینداری و مراعات احکام الهی منزوی می‌شوند و شرایطی ایجاد می‌شود که هزینه‌های دینداری در اجتماع بیشتر از بی‌دینی باشد تا جایی که بی‌دینی موجب افتخار و دینداری مایه شرمساری تلقی شود و در نتیجه افرادی که اندک تردیدی در ایمان دارند از صف مؤمنان خارج شوند.

۳. ابتلائات اقتصادی

دنیادوستی و حب مال و فرزند و مقام، حجاب حقیقت شده و اجازه نمی‌دهند حقایق روشن تعالیم الهی مشاهده شوند و به همین دلیل دنیادوستی مردم پیوسته یکی از چالش‌های رهبران الهی بوده است. آیه شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ: ۳۴) به صراحت بیان می‌کند که پیامبران توسط کسانی که غرق و سرمست نعمت‌های دنیا بودند نفی می‌شدند و دلیل مقاومت آنها این بوده است که زیاده‌روی در لذت‌ها موجب می‌شود انسان‌ها از پذیرفتن حق استکبار ورزند (طباطبائی، ۱۳۸۲: ج ۱۶، ۵۷۸). دنیادوستان در صورتی هم که ایمان آورده و به پیامبران ملحق می‌شدند در روزهای سخت که باید از پیشوای خود حمایت می‌کردند دچار ضعف می‌شدند، در سوره مبارکه توبه می‌فرماید: «وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِهَا وَ جَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا

ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ (توبه: ۸۶) اُولُوا الطُّوْلِ کسانی بودند که دارای ثروت و توانایی مادی و جسمی کافی برای حضور در جنگ بودند ولی همه تلاش خود را به کار می‌بردند از جهاد معاف شوند (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۱۱، ۱۷۹) بدین دلیل که آنها جهاد را با منافع خود ناسازگار دیده و از شرکت در آن خودداری می‌کردند. بر همین اساس سیره اولیای الهی ساده‌زیستی بوده و پیروان خود را نیز به ساده‌زیستی دعوت می‌کردند؛ در نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به عثمان بن حنیف تصریح شده که ساده‌زیستی، زهد و پرهیزکاری پیروان، یاری و مساعدت امام شمرده می‌شود (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵).

قرآن کریم تصریح می‌کند بنی‌اسرائیل رفاه‌طلب و زیاده‌خواه بودند و روحیه ساده‌زیستی نداشتند و به همین دلیل خوار و حقیر شدند؛ آنها خطاب به حضرت موسی علیه السلام گفتند که نمی‌توانند به یک نوع غذا اکتفاء کنند و از پیامبرشان خواستند از خدا برایشان سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیاز هم بخواهد و در اثر همین تمایلات مادی و تعلقات دنیوی و عدم توجه به مقام معنوی الهی خداوند برایشان ذلت و حقارت مقدر فرمود (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۱۵). علاوه بر این که دنیاپرستی خود ممکن است زمینه‌ساز حقارت یک امت باشد موجب جدا شدن از رهبران الهی و تنهایی حجت‌های الهی نیز می‌گردد؛ همان‌گونه که مسلمانان در جنگ احد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در میان انبوه مشرکان رها کرده و در حالی که صدای آن حضرت را می‌شنیدند بدون توجه به این که ممکن است پیامبر کشته، اسیر یا مجروح شود فرار کردند. (آل عمران: ۱۵۳) خداوند دلیل سستی مسلمانان را که به شکست جنگ انجامید و باید به عنوان یک تجربه مهم مورد توجه قرار گیرد مال دوستی آنان معرفی کرده است:

﴿... حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ﴾

... تا آن که سست شدید و بر سر تقسیم غنایم به نزاع پرداختید و پس از آن که آن چه را دوست داشتید (غنایم) به شما نشان داد نافرمانی نمودید. (آل عمران: ۱۵۲)

در دوران زمامداری حضرت علی علیه السلام نیز طمع و دنیا دوستی برخی از همراهان و کارگزاران امام موجب شد در نهایت از آن حضرت جدا شوند و به ایشان خیانت کنند؛ نامه ۳ در مذمت تجمل‌گرایی قاضی حکومت علوی، نامه ۴۰ در اعتراض به اختلاس یکی از فرمانداران، نامه ۴۱ در نکوهش خیانت مالی یکی دیگر از کارگزاران، نامه ۴۳ در اعتراض به تقسیم بیت‌المال میان بستگان خود توسط فرماندار فیروزآباد، نامه ۴۵ در اعتراض به تجمل‌گرایی فرماندار بصره، نامه ۷۱ در سرزنش فرماندار اصطرخ فارس به خاطر خیانت اقتصادی و موارد مشابه همگی حکایت

از این دارد که برخی یاوران امام علی علیه السلام تقوای مالی و طهارات اقتصادی نداشتند و حکومت آن حضرت را با چالش مواجه کردند.

این زمینه‌های تاریخی اقتضا می‌کند در دوران غیبت زهد منتظران هم به چالش کشیده شود و آنها تحت آزمون‌های شدید مالی و اقتصادی نیز قرار گیرند؛ براین اساس در دوران غیبت از مواهب و نعمت‌های الهی کاسته می‌شود و فقر و تنگدستی پدید می‌آید تا هم زمینه‌های لغزش و جدا شدن افراد سست از امام فراهم شود هم منتظران واقعی امام آزموده شده و قویتر شوند، امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ قُدَامَ الْقَائِمِ عليه السلام لَسَنَةَ عَيْدِ أَقْبَةَ يَفْسُدُ فِيهَا التِّمَارُ وَ التَّمْرُ فِي التَّخْلِ فَلَا تَشْكُرُوا فِي ذَلِكَ؛

پیش از قائم علیه السلام سالی خواهد بود که باران‌های بسیار می‌بارد و میوه‌ها را از بین می‌برد و خرماها را بر نخل‌ها فاسد می‌کند؛ پس در آن دوران دچار شک نشوید (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۹).

آن حضرت هم چنین از یک قحطی سه‌ساله خبر داده‌اند:

و يكون جفاف الأنهار... ويقع القحط و الغلاء ثلاث سنين؛

رودخانه‌ها خشک شده و قحطی و گرانی سه سال طول می‌کشد (طیبی، ۱۴۲۵: ۵۶؛ یاسرالحمدانی، ۲۰۰۸: ۸۱۴).

افرادی که این شرایط را تحمل کنند و در آزمون دنیادوستی دچار لغزش نشوند در دوران ظهور که دوران فرمانروایان ساده‌زیست خواهد بود ارکان حکومت امام خواهند شد؛ ساده‌زیستی کارگزاران حکومت امام زمانی از اهمیت برخوردار می‌گردد که توجه کنیم سیره حکومت مهدوی همانند حکومت علوی خواهد بود و آن حضرت مطابق فرموده امام صادق علیه السلام لباس خشن پوشیده و از غذاهای خشک و ناگوار استفاده خواهد کرد (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۵۲، ۳۵۴ و ۳۵۹).

۴. امتحان شجاعت

شجاعت از صفات جمیله و به معنای دلیر شدن در کارزار، دل‌داری و دلاوری است (دهخدا، ۱۳۷۷) و حالتی در انسان است که موجب می‌شود از اقدام به کارهای دشوار، ترس به خود راه ندهد و در مصاف با دشمن و تحمل دشواری‌ها از قوت قلب برخوردار باشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۱۶). شجاعت همان‌گونه که یکی از ویژگی‌های پیامبران بوده و از شرایط لازم برای

کسب فرمانروایی و حاکمیت بر جامعه است (طبرسی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۶۱۳) از صفات مهم پیروان انبیاء نیز می‌باشد و آیات متعددی مؤمنان را به دلآوری در برابر کافران ترغیب کرده (مائده: ۵۴؛ صف: ۴) و آن را یکی از رمزهای موفقیت و پیروزی مسلمانان دانسته‌اند. (احزاب: ۲۳) تاریخ نیز گواه است هر امتی که از شجاعت کافی برخوردار نبوده به اهداف متعالی نرسیده و تلاش پیامبران هم نجات بخش امت‌های ترسو و عافیت طلب نبوده است؛ براساس آیات قرآن، خداوند پس از نجات بنی اسرائیل از ستم فرعونیان فرمان داد به سوی سرزمین مقدس حرکت کرده و در آن وارد شوند، اما بنی اسرائیل که از حضور جمعیتی قدرتمند در سرزمین مقدس مطلع شدند و ترس از جنگ بر آنان غالب شد از دستور خدا سرپیچی کرده و گفتند: «تا ستمکاران (قوم عمالقه) از آن جا بیرون نروند ما وارد این سرزمین نخواهیم شد»، آنها به این هم اکتفاء نکرده و به موسی گفتند: «تو و خدایت به جنگ آنها بروید پس از آن که پیروز شدید ما وارد خواهیم شد» موسی که از امت خود رنجیده و تلاش‌هایش را بی‌حاصل می‌دید جدایی از قومش را از خدا خواست و پس از شکایت موسی به پیشگاه خداوند مقرر شد بنی اسرائیل ۴۰ سال در بیابان سرگردان بمانند. این در حالی است که خداوند مقرر داشته بود بنی اسرائیل در سرزمین مقدس به آرامش و رفاه زندگی کنند، اما این نعمت به خاطر ترسو بودن پیروان موسی از آنان سلب شد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ج ۵، ۲۹۴). متناسب با این تجربه تاریخی در دوران غیبت نامنی‌ها و کشتارها به اندازه‌ای افزایش پیدا می‌کنند که اغلب افراد به مصائب جانی و از دست دادن عزیزان خود مبتلا می‌شوند؛ امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند:

يكثر سفك الدماء، و يقتل من كل تسعة سبعة أو من كل سبعة خمسة. فيقول الجاهل:
مالنا في آل محمد حاجة؛

خونریزی فراوان می‌شود و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شود و یا از هر هفت نفر، پنج نفر کشته می‌شود. تا شخص نادان بگوید: ما نیازی به آل محمد علیهم السلام نداریم! (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۴۴۱).

ابتلا به مرگ و میراگر چه مصیبت آشکار است و رویگردان شدن عده‌ای از منتظران اهل بیت علیهم السلام را در پی دارد ولی موجب می‌شود عافیت طلبی کاسته شود و در سپاه امام ترس از مرگ مفهوم نداشته باشد. شجاعت و سلحشوری منتظران و یاوران امام زمانی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌گردد که توجه کنیم دوران ظهور و حکومت آن حضرت برخلاف تصور عامه توأم با آرامش و فارغ از هرگونه تهدید و خطر نخواهد بود و روایات متعددی هشدار

می‌دهند که مؤمنان خود را برای مشکلات آماده کنند؛ همانند روایت امام صادق علیه السلام که در مقابل تفکر مرجئه که معتقد بودند همه کارها برای امام مهدی علیه السلام به خودی خود درست خواهد شد و به اندازه حجامتی خون نمی‌ریزد، فرمودند:

اگر چنین بود برای رسول خدا هم درست می‌شد در حالی که دندان‌های جلو آن حضرت شکست و صورت مبارکش زخم برداشت، سوگند به کسی که جانم به دست اوست تا ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم و سپس پیشانی‌اش را مسح کرد (نعمانی، ۱۳۷۹: ۳۳۴ و ۳۳۲).

۵. امتحان بصیرت

بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد، ببیند و بینا شود و از عبرت‌ها بهره گیرد سپس راه آشکار و روشن را در پیش گیرد و از افتادن در پرتگاه‌ها بپرهیزد^۱ بر این اساس امت و جامعه‌ای که بصیرت دارد سنجیده و هدفمند حرکت کرده و بدون ارزیابی دقیق و دوراندیشانه دست به کاری نمی‌زند و چنین جامعه‌ای در فتنه‌ها که حق و باطل در هم آمیخته می‌شوند دچار سر درگمی نمی‌شود. بی‌بصیرتی موجب ضعف تحلیل، ضعف در شناخت حق و باطل یا ضعف در شناختن زمان مناسب در حوادث سیاسی و اجتماعی می‌شود که یکی از موانع تحقق اهداف حجت‌های الهی بوده است، همان‌گونه که معاویه با سوءاستفاده از احساسات مردم پیراهن خلیفه مقتول را بر منبر مسجد شام آویخته و با تلاوت مداوم آیه شریفه ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا﴾ (اسراء: ۳۳) شعار خون‌خواهی سر داده و مردم را چنان فریب داد که تمام مردم شام با معاویه بیعت کرده و متعهد شدند جان و مال‌شان را در راه او فدا کنند (منقری، ۱۴۰۴: ۳۲)، در حالی که نه علی علیه السلام قاتل عثمان بود و نه معاویه ولی دم عثمان. هم‌چنین در بحبوحه جنگ صفین زمانی که سپاه شام در آستانه شکست کامل قرار گرفت قرآن‌ها را روی نیزه بلند کرده و همگان را به صلح و پذیرفتن حکمیت قرآن فراخواندند و در نهایت با اختلاف افکنی در لشکر امام، مانع رسیدن آن حضرت به اهداف متعالی‌اش شدند (منقری، ۱۴۰۴: ۲۱۵). قیام حضرت امام حسین علیه السلام نیز اگر چه در مرحله دعوت مورد حمایت اکثریت شیعیان قرار گرفت ولی در شرایط سخت و زمانی که امام نیاز به حمایت عملی داشت تعداد یاران حضرت از عده محدود فراتر نرفت و قیام‌ها و شهادت‌های گسترده پس از واقعه عاشورا

۱. «إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَتَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَ اضْحَا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳).

نشان داد که امام حسین علیه السلام طرفداران زیادی داشت که حتی حاضر بودند جان‌شان را فدای آن حضرت بکنند ولی دچار تحلیل غلط شده و زمان مناسب را از دست دادند. چنین تجاریب افتضا می‌کند امت اسلامی در دوره غیبت به گونه‌ای امتحان شوند تا تجربه تنهایی امام تکرار نشود. براین اساس در دوران غیبت فتنه‌ها، جنگ‌های داخلی و کشتارها بین مسلمین افزایش یافته و اغلب سرزمین‌های اسلامی را فرا می‌گیرند، پیامبر صلی الله علیه و آله برخی از مراکز و شهرهای بزرگ مسلمانان از جمله مدینه، مکه، یمن و شام را نام می‌برند که در گذر تاریخ اسلام پیوسته اثرگذار بوده‌اند، اما در دوران غیبت درگیر فتنه می‌شوند (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۲۷؛ صدر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۹۳). فتنه دیگر گرفتار شدن امت اسلامی به حاکمان فاسدی است که امور زندگی مردم را به دست گرفته و علاوه بر ستمگری و ایجاد وحشت، زمینه گمراهی و فساد را فراهم می‌کنند؛ امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿وَلْتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ...﴾ (بقره: ۱۵۵) فرمودند: بشیء من الخوف یعنی شما مؤمنان را قبل از خروج قائم علیه السلام امتحان می‌کنیم به وسیله پادشاهان بنی‌فلان در آخر سلطنت‌شان (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۰). حضرت پیامبر این حاکمان فرومایه را از آن لحاظ خطرناک می‌داند که بین مسلمانان و تمام اقشار و گروه‌های اجتماعی تفرقه می‌اندازند، عقل مردم را تضعیف کرده و حکومت خود را بر ضعف عقلانیت و بزرگ‌نمایی خود در چشم مردم بنا می‌کنند (ابن طاووس، ۱۳۹۸: ۱۵۶). مقام معظم رهبری زمان فعلی را بخشی از همان مقطع می‌دانند که دموکراسی‌ها حکومت‌های خود را بر پایه پول، تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشم‌ها و دل‌ها قرار داده‌اند و معتقدند بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان علیه السلام این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و هم‌چنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند و تأکید می‌کنند که منتظران حقیقی که می‌توانند پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم بگذارند تنها کسانی هستند که آماده دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام هستند و اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوان‌شان سست می‌شود و حاضر نیستند حرکتی کنند که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد منتظر امام زمان علیه السلام به حساب نمی‌آیند (مقام معظم رهبری، ۳ مهر ۱۳۸۱). تجارب فتنه‌های عصر غیبت و بصیرتی که منتظران در این دوران به دست می‌آورند موجب می‌شود در عصر ظهور که برخی فتنه‌گران از حربه‌های دینی علیه امام استفاده کرده و کتاب خدا را علیه امام تأویل می‌کنند و با قرآن بر امام احتجاج کرده و تلاش می‌کنند افراد دیندار را دچار تردید کنند نتوانند برای نهضت

امام مشکل ایجاد کنند، اهمیت این بصیرت از آن جهت است که روایات نشان می‌دهند امام از هر جهت آماج توطئه دشمنان خواهد بود به گونه‌ای که برخی از مخالفان امام جوانی حضرت را بهانه خواهند کرد تا از وی اطاعت نکنند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

يظهر في صورة شاب مُوقِّقِ ابْنِ اثْنَيْنِ وَثَلَاثِينَ سَنَةً حَتَّى تَرْجِعَ عَنْهُ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ؛
ظاهر می‌شود در چهره جوان رشید سی و دو ساله تا آن جا که گروهی از مردم از عقیده خود
نسبت به آن حضرت بر می‌گردند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰).

آن حضرت در روایت دیگری هم فرمودند عده‌ای کتاب خدا را علیه امام تأویل می‌کنند و با آن بر او احتجاج می‌نمایند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۳۴۹).

مطالب مذکور بخشی از ضعف‌های پیشینیان است و تاریخ گواهی می‌دهد که برخی از رهبران الهی که تشکیل حکومت داده یا قیام کرده بودند به خاطر عدم شجاعت یاران خود، مطامع مادی، نیازدگی، ضعف اعتقادی و اخلاقی یا ضعف در تحلیل سیاسی پیروان خود دچار انزوا شده و به اهداف متعالی نرسیدند و ممکن است به همین خاطر باشد که در مواردی که مجدداً دعوت به قیام شدند از پذیرش و رهبری آن امتناع کردند؛ چنان‌که حضرت امام سجاد علیه السلام با قیام مختار و قیام حره همراهی آشکار نداشتند، امام صادق علیه السلام در پاسخ دعوت به رهبری قیام «الرضا من آل محمد» به ابوسلمه خلال فرمودند: «او شیعه شخص دیگری است» و در پاسخ ابومسلم خراسانی فرمودند: «نه تو از داعیان من هستی و نه زمان، زمان من است»، امام رضا علیه السلام نیز علاوه بر این که از قیام‌های پراکنده برخی از علویان فاصله می‌گرفتند از پذیرش جان‌شینی مأمون طفره رفته و در نهایت به شرط عدم مداخله در امور حکومتی آن را پذیرفتند (اقتباس از جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۲۷۰).

تأثیر ابتلائات بر توانمندسازی یاوران امام عصر علیه السلام

مبارزه حق و باطل پیوسته وجود داشته و این وضع تا زمانی که انسان‌ها به اراده خود تابع حق گردند ادامه خواهد یافت. اوج این مبارزات در عصر ظهور امام موعود علیه السلام واقع خواهد شد و تمام قدرت‌های باطل در مقابل امام صف‌آرایی خواهند کرد. اما بر خلاف مبارزات پیشین که جریان باطل توانسته است از ضعف طرفداران رهبران حق بهره‌برد در عصر ظهور چنین فرصتی نخواهد داشت، بدین دلیل که منتظران امام همه ابتلائات دوران غیبت را تجربه کرده و از همه فتنه‌ها و آزمون‌ها سربلند بیرون آمده و به مرحله‌ای از بلوغ فکری، مذهبی، سیاسی،

اخلاقی و... می‌رسند که هیچ فتنه احتمالی در آنها تأثیر نمی‌گذارد؛ بر این اساس بر خلاف گذشته که مردم رهبران حق را تنها گذاشتند مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام خداوند به وسیله افراد بسیار قدرتمندی امام عصر علیه السلام را یاری می‌کند که «... دل‌هایی استوارتر از پاره‌های آهن دارند که تردید در آن راه نمی‌یابد، اقتداری دارند که چون از برابر کوه‌ها بگذرند صخره‌ها به لرزه درآیند، زمانی که حرکت کنند به قدر مسافت یک ماه در دل دشمنان وحشت ایجاد کنند، تا وقتی که خداوند بخواهد و خشنود شود شمشیرها را غلاف نمی‌کنند، تمامی ملکات و فضایل انسانی و اخلاقی را دارند، متقی هستند و فقط از خدا بیم دارند، شب‌ها را به عبادت به سر می‌برند، ایستاده یا بر روی اسبان شان شب را سحر می‌کنند و روزها همانند شیر مبارزه می‌کنند. ولایت‌پذیری و اطاعت‌شان از امام فراتر از اطاعت کنیز از مولای خویش است، در بلاها جان‌های شان را سپر او می‌کنند و هر فرمانی بدهد اجابت می‌کنند، آرزوی شهادت دارند، با شعار «یا لثارات الحسین» به میدان می‌آیند و دوست دارند در راه خدا کشته شوند...» (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۵۲، ۳۰۸).

این قبیل روایات که در اوصاف یاران امام وارد شده است نشان می‌دهند یاران امام از هر جهت در عالی‌ترین سطح ممکن قرار دارند ولی نکته مهم‌تر این است که این توانمندی‌ها را مرهون تربیتی هستند که در دوران غیبت و در پرتو ابتلائات سپری کرده‌اند؛ امام علی علیه السلام فرایند تربیت و غربال این افراد را به انبار گندمی تشبیه می‌فرمایند که بارها به آفت کرم‌زدگی دچار و پاکسازی می‌شود و این اتفاق آن قدر تکرار می‌شود و هر بار گندم‌های آسیب دیده را جدا می‌کنند تا این که برخی گندم‌های باریک و رشته مانند شبیه خس باقی بماند که کرم‌ها دیگر نمی‌توانند در آنها کوچک‌ترین اثری داشته باشند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۲). روایت دیگری از امام صادق علیه السلام تربیت و غربال یاران امام را با امتحان پیروان حضرت نوح مقایسه می‌فرماید؛ بدین ترتیب که خداوند در پاسخ به درخواست نوح برای عذاب کافران نزول عذاب را مشروط کرد به این که نوح دانه خرمائی بکارد و پس از ثمر دادن درخت، عذاب نازل شود، نوح همین کار را انجام داد اما عذاب نازل نشد. دو ثلث پیروان نوح که به زعم خود خلف وعده دیده بودند از او جدا شدند، نوح باز هم دعا کرد و خداوند همان شرط را تکرار کرد و باز هم عذاب محقق نشد و برای بار دوم دو ثلث پیروان نوح کافر شدند، در نهایت پس از ده بار تقاضای عذاب و وعده مشابه خداوند که هر بار نیز دو ثلث پیروان نوح کافر می‌شدند جمع قلیلی از مؤمنان که پس از تجربه ده آزمون هم‌چنان در ایمان خود ثابت مانده بودند اظهار کردند ایمان شان با عدم

تحقق وعده مذکور کم نخواهد شد دعای نوح مستجاب شد و همان افراد خاص همراه نوح وارد کشتی شده و نجات یافتند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

دستاوردها و ابتلائات فراگیر دوران غیبت در نهایت افرادی هستند که از هر جهت ساخته شده و دارای تربیت و توانمندی‌های گسترده هستند. حضرت علی علیه السلام این افراد تربیت شده را که در نهضت جهانی امام در خدمت آن حضرت قرار می‌گیرند کسانی می‌داند که در کشاکش فتنه‌ها بصیرت خویش را همان‌گونه که آهنگر تیغه شمشیر را صیقل دهد صیقل داده و دیدگان‌شان را به نور قرآن روشن ساخته و گوش‌های‌شان را به تفسیر قرآن نوازش می‌دهند و هر شامگاه و بامداد جام‌های حکمت سر می‌کشند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰).

بزرگان شیعه هم هرگاه با این سؤال مواجه می‌شدند که با وجود کثرت پیروان، چرا امام ظهور نمی‌کنند پیوسته به ضرورت خالص بودن منتظران تأکید می‌کردند؛ هم‌چنان‌که وقتی از شیخ مفید پرسیدند که شما شیعیان از جعفر بن محمد روایت می‌کنید که اگر تعداد یاران امام به اندازه اهل بدر باشد ظهور می‌کند در حالی که امروز شیعه چندین برابر اهل بدر است پس چرا امام هم‌چنان در غیبت است؟ پاسخ داد:

منظور فقط کمیت نیست، بلکه کیفیت خاص هم مورد نظر است؛ درست است که امروز شیعه چندین برابر اهل بدر است اما هنوز معلوم نیست صفات و شرایط اهل بدر را هم داشته باشند؛ چرا که باید دارای سطح بالایی از شجاعت و تحمل جنگ با دشمن باشند، در جهاد اخلاص داشته باشند، آخرت را بر دنیا ترجیح دهند، دارای تهذیب نفس و تن و عقل سالم باشند، در جنگ با دشمن سست نشوند... اگر خداوند بداند که در میان شیعه به تعداد مذکور افرادی دارای این مشخصه‌ها بوده و از شمشیر کشیدن معذور نباشند قطعاً امام ظهور خواهد کرد... (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴).

خاستگاه پاسخ شیخ مفید احادیث متعددی هستند که فرج امام را به غربال شدن منتظران مقید کرده‌اند؛ همانند فرمایش امام باقر علیه السلام در پاسخ جابر جُعی که وقتی زمان فرج را پرسید سه بار فرمود زمانی که غربال شوید (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۴۴).

بر همین اساس خداوند با آزمون‌های بسیار سخت و متناسب و متأثر از شرایط حجت‌های گذشته و مأموریت‌ها و وظایف آینده تربیت منتظران را رقم می‌زند و امام عصر علیه السلام زمانی زمام جامعه را به دست می‌گیرد که پیروان آن حضرت به چنین قابلیت‌های بسیار بالا دست یافته و تفاوت اساسی با دیگر امت‌ها داشته باشند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با توجه به تأثیر پذیری ابتلائات دوران غیبت از تجارب ناکامی رهبران پیشین و توجه به تکالیف سخت دورن ظهور و تربیت افراد متناسب با اهداف متعالی آن دوران نتیجه می‌گیرد که مشکلات و آزمون‌های دوران غیبت نه تنها منفعلانه نیستند بلکه فعال و هدفمند هستند و از تجارب ارزنده و منطقی متعالی تبعیت می‌کنند که حاصل آن تربیت انسان‌های شایسته و آزموده برای اصلاح جهان می‌باشد. ابتلائات از یک طرف زمینه‌ای فراهم می‌کنند که مدعیان ضعیف در دوران غیبت راه خود را جدا کنند و تنها کسانی که دارای مراتب بسیار بالایی از ایمان و معرفت باشند در اعتقاد خود به امام عصر علیه السلام باقی بمانند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۲۰۴) و از سوی دیگر فرصتی ایجاد می‌کنند تا مؤمنان واقعی انواع شیوه‌های دشمنی و فتنه‌انگیزی جبهه باطل را تجربه کنند به گونه‌ای که پس از ظهور امام دشمنان هر فتنه‌ای که علیه آن حضرت و پیروان حق ترسیم کنند بی‌تأثیر باشد. امام باقر علیه السلام یا واران امام عصر علیه السلام را بدین دلیل مصون می‌داند که در فتنه‌های دوران غیبت حاذق‌ترین انسان‌ها که به تعبیر امام یک تار مو را به دو نیم تقسیم می‌کنند سقوط می‌کنند و فقط اهل بیت و شیعیان خالص‌شان باقی می‌مانند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۷).

بر این اساس ابتلائات نه تنها جنبه منفی دوران غیبت به حساب نمی‌آیند بلکه به خاطر دستاوردهای مهمی که دارند ضروری‌ترین بخش دوران غیبت نیز هستند، این ضرورت مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و مصلحان اسلامی نیز قرار گرفته است؛ امام خمینی علیه السلام از فتنه‌ای با عنوان اسلام آمریکایی خبر داده و راه مبارزه با آن را بسیار پیچیده توصیف کرده و تأکید کرده است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان روشن گردد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۲۱). سید محمدباقر صدر نیز خود ساختگی این افراد را یادآور شده و بیان کرده است انسان‌هایی که خود را از درون نساخته باشند هیچ‌گاه نمی‌توانند سخن حق را به کار بسته و تحولی در بنای جامعه صالح ایجاد کنند (صدر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). مقام معظم رهبری نیز ابزار دشمن علیه جامعه اسلامی را سه عامل پول، سلاح و تبلیغات دانسته و تأکید کرده‌اند تنها چیزی که می‌تواند با پول که انسان‌ها را برده می‌کند، با سلاح که انسان‌ها را می‌ترساند و مرعوب می‌کند و با تبلیغات که انسان‌ها را خام می‌کند و فریب می‌دهد مقابله کند ایمان روشن و ایمان با بصیرت است (مقام معظم رهبری، ۲ آذر ۱۳۷۷).

این سطح از تربیت و کسب آمادگی شرط مهم آغاز نهضت امام است و اثبات این امر هم

پس از سخت‌ترین امتحانات ممکن خواهد شد، بر این اساس ظهور امام وقتی محقق می‌شود که پیروان حضرت به مرحله‌ای از بلوغ و پختگی اعتقادی، فکری، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... رسیده باشند که در هیچ مرحله‌ای از دوران ظهور آسیب نبینند. تشکیل چنین سپاه قدرتمندی که از لحاظ عقلی، جسمی، فکری، روحی، اخلاقی، نظامی، سیاسی و... در اوج باشد زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم روز به روز روش‌های دشمنی با جهان اسلام نیز پیچیده‌تر می‌شود و فتنه‌گری‌ها علیه مسلمانان افزایش پیدا می‌کند و هر تلاشی که منافع مستکبران جهان را به چالش بکشد مورد انواع هجمه‌ها قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر در حد بضاعت خود تلاش کرد در راستای بسط فرهنگ تربیت افراد در چارچوب اهداف ظهور گام کوچکی بردارد امید است با جدیت بیشتر پژوهشگران و اندیشمندان عرصه مهدویت جنبه‌های بیشتری از این تکلیف مورد توجه قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی، دوم، ۱۳۷۵.
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین أبو الحسن، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۵۹.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر علیه السلام، قم، الشریف الرضی، ۱۳۹۸ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تعلیق: هاشم رسولی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۶. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام و حجة الخصام، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۲.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق و تعلیق: محمد باقر المحمود، بی جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵.
۸. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
۹. الحمدانی، یاسر بن احمد، جواهر من أقوال الرسول، قاهره، دارالحرمین، ۲۰۰۸.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۵.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. راد، علی؛ عطایی، پریسا، «رابطه متقابل جامعه و ابتلاءهای اجتماعی پیامبران؛ مطالعه موردی حضرت ابراهیم علیه السلام»، نشریه سراج منیر، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۵.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر، قم، دفتر آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰.
۱۴. صدر، سید محمد، موسوعة الامام المهدي، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲.
۱۵. صدر، سید محمد باقر، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، تفاهم، ۱۳۸۸.

۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۲۷.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *اعلام الوری*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبه*، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. فیض، ملا محسن، *مفاتیح الشرایع*، قم، مجمع الذخایر الاسلامیه، ۱۴۰۱.
۲۱. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، بی جا، منشورات دارالرضی، بی تا.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار فی تفسیر المأثور للقرآن*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
۲۴. مصطفوی، حسن، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
۲۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الرسالة الرابعة فی الغیبه*، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۲۷. منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة الصفین*، تحقیق: عبدالسلام هارون، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته، ۱۴۰۴.
۲۸. موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، پنجم، ۱۳۸۹.
۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۹ ق.

30. <http://www.leader.ir>